



به هیچ کدام از موارد نقض حقوق بشر، میلیاردها دلار به ایران خواهد داد.» اندیشکده هادسون نیز همین پیشنهاد را به مقامات غربی اعلام کرد و نوشت: «ایالات متحده می تواند دست بازیگران ایرانی را از دستیابی به بودجه لازم برای دامن زدن به سرکوبها کوتاه کند... دسترسی بیشتر به منابع حاصل از یک توافق، امنیت متحدان کلیدی ایالات متحده را به خطر خواهد انداخت.»

رسانه‌ها و اندیشکده‌های غربی همه به خوبی ناامنی صورت گرفته را به عنوان فرصتی مدنظر قرار داشتند که از قبالی آن می توانستند اهدافی را که تا به حال قادر به تحقق آن نبودند، به دست آورند. رویترز در این باره نوشته بود: «چهار سال تحریم، برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نکرده و حمایت ایران از نمایندگان خارجی و نیروهای نیابتی اش را کاهش نداده است. اما بجزرمان داخلی آن احتمالاً به قدرت‌های غربی فرصت و فضای بیشتری برای افزایش فشار بر تهران می دهد.»

با این حال دولت‌مردان غربی هیچ‌گاه خطرپذیری نکرده و توقف مذاکرات برجامی را اعلام نکردند. با آنکه پارلمان اروپا دو طرح قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در لیست گروه‌های تروریستی و همچنین اعلام پایان مذاکرات برجامی را در دستور کار داشتند، اما سرنوشت هر دو محکوم به شکست بود؛ اولی با وجود تصویب در پارلمان اروپا مورد موافقت شورای وزیران قرار نگرفت و عملاً بی‌خاصیت شد و دومی حتی مورد استقبال نمایندگان پارلمان نیز واقع نشد. این اتفاق در حالی بود که عناصر ضدانقلاب و اپوزیسیون نگاه ویژه‌ای به این دو مسأله داشتند. شبکه ایران اینترنشنال با بخش مستقیم جلسه پارلمان اروپا این ذوق زدگی را بخوبی به تصویر کشید. اما اروپایی‌ها بخوبی می دانستند که انتهای تبعات سیاسی و امنیتی اقدام آنها از سوی ایران قابل تصور نیست. از همین رو نه تنها جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که نمی‌تواند به دلیل علاقه‌مند نبودن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را تروریست اعلام کند که حتی با حضور در نشست بغداد ۲ در اردن به وزیر امور خارجه ایران پیام از سرگیری مذاکرات را اطلاع‌رسانی کرد. این شکست واضح بود که باعث شد آمریکا و اروپا آرام‌آرام فضا را برای بازگشت آبرومندانه به میز مذاکرات فراهم آورند.

کاهش مراودات دیپلماتیک

منزوی کردن ایران از جمله دیگر اهدافی بود که به کشورهای غربی پیشنهاد شد و البته این کشورها تلاش کردند تا آن را محقق کنند. عرب‌نیوز در این خصوص خواستار آن شده بود تا جامعه بین‌المللی از محکومیت صرف ایران عبور کرده و گام‌های مشخص برای منزوی کردن و تضعیف ایران را تسریع کند. مؤسسه هادسون نیز گفته بود، باید رویکرد تعاملی را کنار گذاشت و سیاستی جدید در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد. در چهارچوب همین پیشنهادها، دلیلی بیست راهکارهایی دیپلماتیک را ارائه می‌دهد. این رسانه در خصوص چگونگی کاهش روابط دیپلماتیک با ایران می‌نویسد: «فراخواندن سفیران ایران یک سیگنال قوی است مبنی بر اینکه اقدام‌ها باید متوقف شود. سفارتخانه‌ها می‌توانند با کاردار کار کنند و همچنان ظرفیت نظارت بر محاکمه‌ها و دادگاه‌ها را داشته باشند.» کاهش روابط دیپلماتیک اما یک هدف مهم دیگر را نیز پیگیری می‌کرد. اندیشکده مؤسسه استراتژی و امنیت ملی اورشلیم در این خصوص می‌نویسد: «کشورهای غربی باید یک جبهه متحد در مورد آزادی فردی در برابر ایران ایجاد کنند، بویژه اگر اوضاع سرکوب معترضان بدتر شود تا سرانجام این کشور مجبور به سازش شود» همان‌گونه که از این تحلیل‌ها نیز آشکار است اجبار ایران به عقب‌نشینی از مؤلفه‌های قدرت و انزوای سیاسی ایران از اهداف مشخص این سناریو بوده است. مطالبه خارج کردن سفرای کشورهای اروپایی که منافقین، سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان در تجمع‌های سفارشی خود در کشورهای اروپایی انجام می‌دادند، بارها مطرح شده بود. اما عدم فراخواندن سفرای کشورهای اروپایی و فرستادن سفیر از سوی پاریس به تهران رسماً شکست این سناریو را اعلام کرد. حتی کشورهای اروپایی قادر به نمایش این انزوامایی نیز

نشدند. دیدار وزیر خارجه حاشیه‌ساز بلژیک که در میانه اغتشاشات موه‌های خود را بریده بود با همتای ایرانی خود در ژنو، مکاتبات و گفت‌وگوهای تلفنی و مستقیم ایران با کشورهای جهان به خصوص کشورهای اروپایی و مسئولان اتحادیه اروپا این شکست را بخوبی فریاد زد.

اعتصاماتی که شکل نگرفت

غربی‌ها تلاش داشتند تا مشکلات معیشتی را با اغتشاشات هم‌افزا کرده و مردم را به همین بهانه به خیابان‌ها بیاورند و ابعاد جدیدی به آشوب‌ها بدهند؛ ابعادی که رنگ و بوی مردمی داشته و مطالبات بحق اقتصادی را هم بظاهر پوشش دهد. سندیکای یهود بصراحت اعلام کرد، بهانه حقوق زنان به تنهایی کافی نیست و با شکل‌گیری ائتلافی از میان طبقات پایین و متوسط جامعه، داستان آشوب‌ها به نفع آنها پیش خواهد رفت. برای همین منظور کشاندن کارگران و معلمان و اقشاری که در دوران نابسامانی‌های اقتصادی بخصوص در دهه ۹۰ دچار مشکلات شدید شدند در دستور کار ضدانقلاب و کشورهای غربی قرار گرفت. بنیاد دفاع از دموکراسی حتی در پیشنهادی چگونگی حمایت از اعتصابات را نیز طراحی و پیشنهاد داد. این اندیشکده پیشنهاد داد که صندوقی با عنوان «صندوق اعتصاب» تشکیل شود و از دارایی‌های مسدود شده ایران در خارج از کشور به نفع حمایت از اعتصاب‌کنندگان استفاده شود. این پیشنهاد بسرعت مورد توجه رسانه‌های غربی قرار گرفت و واشنگتن پست نیز آن را ضربه داد. بنیاد صهیونیستی دفاع از دموکراسی البته با آنچه ده‌ها هزار معلم و دانش‌آموز خشمگین معرفی کرد، خواهان استفاده رژیم صهیونیستی از ظرفیت آنها در جریان آشوب‌ها شد. فارن افرز نیز نوشت: «واشنگتن باید تمام تلاش خود را برای حمایت از اعتصابات در ایران و کمک به فعالان کارگری در برقراری ارتباط با یکدیگر به کار گیرد.» با این حال نه معلمان و دانش‌آموزان به میدان آمدند و نه ایده اعتصاب کارگران تحقق یافت و بار دیگر مشخص شد که مردم ایران بخوبی به صحنه جنگ ترکیبی شکل گرفته علیه ایران واقف بوده‌اند.

امریکا؛ تسهیلگر ارتباط آشوبگران خیابانی

استفاده از رسانه به عنوان ابزار مهم، همواره مورد توجه اتاق‌های فکر امریکایی بوده است. به عنوان نمونه، رسانه هیل به مقامات امریکایی پیشنهاد کرد که با مردم ایران به طور مستقیم ارتباط برقرار کنند. این رسانه نوشت: «جیک سالویان، مشاور امنیت ملی آمریکا و سایر مقامات دولتی باید در صدای آمریکا، بی‌بی‌سی فارسی، و رادیو فردا حضور یابند و مستقیماً با مردم ایران صحبت کنند.» با این حال اندیشکده‌ها و رسانه‌های امریکایی همواره نگران بودند که عیان بودن وابستگی اغتشاشگران به بیگانگان منجر به عدم همراهی مردم شود. بلومبرگ در این خصوص با ابراز نگرانی می‌نویسد، نباید اجازه داد کسانی که در خیابان حاضر می‌شوند «مزدور» معرفی شوند. این رسانه امریکایی البته توجه جدی به محدودیت‌های اعمال شده به فضای مجازی در ایران جهت جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان داشته است. بلومبرگ می‌نویسد: «بهترین کاری که آمریکا می‌تواند انجام دهد این است که صدای

معترضان را رساتر و به آنها کمک کند تا از قطع اینترنت در ایران فرار کنند.» شورای روابط خارجی نیز بصراحت نوشت که دولت‌های غربی می‌توانند در دور زدن محدودیت‌های اینترنتی اغتشاشگران نقشی فعال ایفا کنند. اندیشکده صلح کارنگی نوشت: «تلاش برای ارائه یک برنامه ارتباطی به مردم ایران باید تسریع شود تا توانایی نظام برای حفظ انحصار بر اینترنت و خطوط مخابراتی فلج شود.» بنیاد هریتیج نیز با اشاره به اراده دولت جو بایدن برای حمایت از اغتشاشگران از طریق حمایت‌های فنی در جهت تسهیل استفاده از فضای مجازی و اینترنت در ایام آشوب‌ها نوشت: «تلاش برای تهیه تجهیزات لازم برای استفاده واقعی از پهنای باند بدون سانسور و رمزگذاری شده، می‌تواند دسترسی بی‌سابقه‌ای ایجاد کند... ایالات متحده می‌تواند و باید با ابراز همبستگی و کمک به دسترسی به اینترنت، کانال‌های رسانه‌های اجتماعی محبوب و اخبار بدون سانسور، حمایت از معترضان ایرانی را نشان دهد.» با این حال این روش‌ها نیز نتوانست به بهبود وضعیت اغتشاشگران و توسعه آشوب‌ها منجر شود.

رهبرتراشی برای اغتشاشات

شورش‌های کور و سفارشی و بدون داشتن رهبری مشخص محکوم به شکست‌اند و این مهم را غربی‌ها بخوبی می‌دانند. ایندیندنت در این خصوص نوشته بود: «پس از پیام واحد چند تن از چهره‌های شاخص و شناخته‌شده مخالف نظام، بحث راهبری و جهت‌دهی راهبری این انقلاب از خارج از کشور توسط یک گروه هم‌سخن و بعداً متحد و مؤتلف بالا گرفته است.» به همین دلیل ایلان برمن، معاون ارشد شورای سیاست خارجی امریکا اعلام کرد: «معترضان به شخصیت‌هایی نیاز دارند که بتوانند با آنها ائتلاف تشکیل دهند و متحد شوند.» سندیکای خبری یهود نیز بصراحت نوشت: «جهت ایجاد یک تهدید واقعی برای نظام، اعتراضات باید تحت رهبری قوی و متحد قرار بگیرد.»

مؤسسه امریکن اینترپرایز برای حل این مشکل پیشنهاد داد: «ولیعهد سابق می‌تواند یک کنوانسیون قانون اساسی را سازماندهی کند... او می‌تواند در مورد پارامترهای یک دولت موقت میانجی‌گیری کند.» با این حال پروژه رهبرتراشی از رضا پهلوی نیز جواب نداد و گروه‌های مختلف اپوزیسیون به ابراز مواضع ضد یکدیگر مشغول شدند. توهم ایجاد رهبر برای اغتشاشات در حالی پیگیری می‌شد که هیچ کدام از اعضای گروه‌های ضدایرانی ساکن خارج مقبولیتی نداشتند. به عنوان نمونه کمپین «من وکالت می‌دهم» تلاش داشت تا رضا پهلوی را به عنوان لیدر معرفی کند، اما با وجود پول‌پاشی‌های اپوزیسیون تنها ۳۵۰ هزار نفر در یک هفته به این کمپین پیوستند. این درحالی است که برنامه‌های تلویزیونی ایران مانند برنامه عصر جدید تا ۹ میلیون نفر رأی از سوی مخاطبان دریافت می‌کنند. همه اینها نشان می‌دهد، شکست کلان پروژه نامن‌سازی ایران و شکست تاکتیک‌های دیگر که ذیل این پروژه انجام شد به دلیل عدم همراهی مردم و شناخت دقیق صحنه، قدرت‌بازارنده ایران و توهمات گروه‌های ضدانقلاب و ضدایرانی به شکست انجامیده است.



با این حال
دولتمردان
غربی هیچ‌گاه
خطرپذیری
نکرده و توقف
مذاکرات برجامی
را اعلام نکردند.
با آنکه پارلمان
اروپا دو طرح
قرار دادن سپاه
پاسداران انقلاب
اسلامی ایران در
لیست گروه‌های
تروریستی و
همچنین اعلام
پایان مذاکرات
برجامی را در
دستور کار
داشتند، اما
سرنوشت هر
دو محکوم به
شکست بود



بشر

■ غربی‌ها تلاش داشتند تا مشکلات معیشتی را با اغتشاشات هم‌افزا کرده و مردم را به همین بهانه به خیابان‌ها بیاورند و ابعاد جدیدی به آشوب‌ها بدهند؛ ابعادی که رنگ و بوی مردمی داشته و مطالبات بحق اقتصادی را هم بظاهر پوشش دهد.

■ سندیکای یهود بصراحت اعلام کرد، بهانه حقوق زنان به تنهایی کافی نیست و با شکل‌گیری ائتلافی از میان طبقات پایین و متوسط جامعه، داستان آشوب‌ها به نفع آنها پیش خواهد رفت.

■ برای همین منظور کشاندن کارگران و معلمان و اقشاری که در دوران نابسامانی‌های اقتصادی بخصوص در دهه ۹۰ دچار مشکلات شدید شدند در دستور کار ضدانقلاب و کشورهای غربی قرار گرفت. بنیاد دفاع از دموکراسی حتی در پیشنهادی چگونگی حمایت از اعتصابات را نیز طراحی و پیشنهاد داد